

انتشارات فرانکلین چرا تعطیل شد؟^۱

عبدالحسین آذرنگ

انتشارات فرانکلین برنامه بود نه نهاد. همه برنامه‌ها معمولاً عمر معینی دارند و هرگاه هدف‌های آن‌ها متحقق شود، پایان می‌یابند. طراحان و گردانندگان برنامه کتاب فرانکلین به این نتیجه رسیدند که هدف‌هایشان، یا بیشتر هدف‌هایشان، تحقق یافته است و از این رو پس از ۲۵ سال فعالیت، پایان کار آن را در ۱۹۷۷م/۱۳۵۵ش اعلام کردند. البته در اظهار نظرهای مختلف شنیده می‌شود که بعضی صاحب‌نظران با این نتیجه‌گیری موافق نیستند. آن‌ها علت اصلی تداوم نیافتن برنامه را از دست رفتن انگیزه‌های نیرومند اولیه، تغییر یافتن مدیران، بر سر کار آمدن مدیران فاقد انگیزه‌های مدیران نخستین، و نیز تأثیر عوامل جهانی و خارجی، و عوامل دیگری از این دست دانسته‌اند. به شباهت‌هایی میان افول برنامه‌های یونسکو و برنامه‌هایی نظیر برنامه کتاب فرانکلین هم اشاره شده است.

شاخه‌های فرانکلین در کشورهای مختلف سرنوشت‌های متفاوتی داشتند که موضوع بحث جداگانه‌ای است، اما اجمالاً این‌که تفاوت میان چگونگی تداوم یا توقف فعالیت این شاخه‌ها می‌تواند نشان دهد که عوامل محلی تا چه حد و چگونه دخیل بوده است.

شاخه تهران چگونه تعطیل شد، شاخه‌ای که فعالیت‌های آن در نشر ایران چنان عمیق و گسترده بود که هنوز هم تأثیرهای مستقیم و غیرمستقیم آن را می‌توان دنبال کرد؟ اما این پرسش که چرا شاخه تهران تعطیل شد، پرسشی است که بدون دسترسی به اسناد کافی و مطمئن نمی‌توان به آن پاسخ گفت. در اینجا فقط می‌توانم مشاهدات مستقیم خودم را نقل کنم. چنانچه شاهدان و ناظران دیگر هم روایت‌های خود را منتشر کنند، حتماً نکاتی به دست خواهد آمد که به پاسخ پرسش کمک می‌کند.

حدود دو سال پیش از آن‌که زمزمه‌های تعطیل شدن فرانکلین به گوش برسد، خانم ماریا ناگورسکی، آمریکایی لهستانی‌تبار، از سوی فرانکلین نیویورک به تهران آمد تا درباره شاخه تهران گزارش جامعی تهیه کند. او در کتابخانه مرجع فرانکلین پشت میزی می‌نشست و گزارش‌ها و اسناد را می‌خواند و بررسی می‌کرد. گاه با تنی چند از مسئولان بخش‌های مختلف دیدار داشت و با آن‌ها به گفت‌وگو می‌نشست. میز کار من هم در همان کتابخانه مرجع

^۱ این مقاله، بخشی از مقاله‌ایست که در مرداد ۱۳۹۵ در مجله بخارا چاپ شده است.

فرانکلین بود. در مدتی که خانم ناگورسکی در ایران بود، لاجرم هر روز او را می‌دیدم. او دربارهٔ فرانکلین شاخهٔ تهران گزارش مفصلی نوشته است، اما بنده آن را ندیده‌ام. آن‌طور که از شیوهٔ کار و برخوردهایش دریافتم، زنی بود باهوش، دقیق، روش‌دان و به کار خود مسلط.

در بهار ۱۳۵۴ش، حدوداً ۳ سال پیش از انقلاب، روزی به دعوت علی اصغر مهاجر، مدیر وقت انتشارات فرانکلین شاخهٔ تهران، همهٔ ویراستاران آن مؤسسه که زیر نظر شادروان کریم امامی کار می‌کردند، به نشستی دعوت شدند. نجف دریابندری، معاون فرهنگی فرانکلین هم حضور داشت. نگارنده هم در آن نشست بود. آن روزها اوج اختناق و سرکوب رژیم گذشته بود و سانسور کتاب و مطبوعات بیداد می‌کرد. به گمانم هیچ‌یک از کسانی که به آن نشست فراخوانده شده بودند، از آنچه در فرانکلین نیویورک می‌گذشت هیچ اطلاعی نداشتند؛ ضمن اینکه رابطهٔ شاخهٔ تهران با مرکز نیویورک، همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، فقط به رابطه‌ای صوری تبدیل شده بود. شاخهٔ تهران نه تنها سال‌ها بود کمکی از مرکز اصلی نگرفته بود، بلکه به سبب درآمدهای کلانی که از راه کتاب‌های درسی و منابع آموزش و احتمالاً فعالیت‌های جنبی کسب کرده بود، به مرکز اصلی هم کمک می‌کرد. دیتوس اسمیت می‌گوید دارایی مرکز نیویورک به هنگام تعطیل شدن برنامهٔ فرانکلین فقط حدود ۸۰۰۰ دلار بوده که به کتابخانهٔ کنگرهٔ آمریکا اعطا شده، حال آنکه دارایی شاخهٔ تهران به ارزش ۱۰ میلیون دلار بوده است. او می‌گوید فرانکلین شاخهٔ قاهره به سازمانی غیرانتفاعی واگذار شد تا فعالیت‌ها را ادامه دهد.^۲

علی اصغر مهاجر در آن نشست حرف‌های عجیبی زد که مضمون آن را نقل می‌کنم. متأسفانه هیچ‌کدام از ما حاضران در آن نشست از حرف‌های او یادداشت برنداشتیم، شاید به این سبب که نشست، ناگهانی و غافلگیرکننده بود، و شماری نظیر من کم‌تجربه و بی‌اطلاع از اوضاع. او گفت وضعیتی بر کشور حاکم شده است که امکانی برای ادامهٔ فعالیت نمی‌بیند و دیر یا زود فرانکلین با بن‌بست روبه‌رو خواهد شد. با توجه به اینکه نیروهای باتجربه‌ای در زمینه‌های مختلف نشر با این مؤسسه همکاری دارند که ثروت و سرمایهٔ قابل‌توجهی هستند، به نخست‌وزیر [امیرعباس هویدا] چند طرح در چند زمینه پیشنهاد داده شده و او همکاری نیروهای فرانکلین تهران را با دانشگاه آزاد به ریاست دکتر عبدالرحیم احمدی^۳ تصویب کرده

2. Smith, *ibid.* p.190.

۳. عبدالرحیم احمدی از اعضای سابق حزب توده، اقتصاددان، مترجم، مقاله‌نویس خوش‌قلم، ناشر، از گرداندگان مؤسسهٔ انتشاراتی نشر اندیشه و از روشنفکران نزدیک یا وابسته‌شده به دستگاه دولت که به چند منصب عالی دست یافت و در گرماگرم انقلاب از کشور خارج شد.

است. از این رو اعضای بخش ویرایش، و بخشی از اعضای بخش تولید فنی و هنری فرانکلین به دانشگاه واگذار می‌شود.

بعد هم مطالبی درباره اهمیت دانشگاه آزاد (Open University) که طرح هوشمندانه‌ای از سوی متخصصان انگلیسی بوده و آینده «نویدبخش» آن سخن گفت.

این چکیده گفته‌های علی اصغر مهاجر در آن نشست بود. پس از پایان یافتن حرف‌هایش، حاضران واکنش‌های متفاوتی بروز دادند. شادروان کریم امامی گفت علاقه‌ای به کار در زمینه تدوین و انتشار متن‌های درسی و آموزشی و دانشگاهی ندارد و حاضر به همکاری با دانشگاه آزاد نیست. به این ترتیب ادیتوریال (بخش ویرایش) که مدیریتش با او بود، به این نتیجه رسید که سرپرست، سرنوشت خود را جدا کرده است. اعلام نظر او نشان‌دهنده تصمیمی فردی بود و گویای این معنا که اعضای ادیتوریال هر کدام خود تصمیم بگیرند. فضایی مبهم و بلا تکلیف ایجاد شد. نجف دریابندری هم به همکاری با دانشگاه آزاد تن نداد، اما مخالفتی هم با پیشنهاد مهاجر نکرد. بعد هم در انتقال اعضای ادیتوریال و بخش فنی و هنری فرانکلین به تشکیلات جدیدی در دانشگاه آزاد به نام سازمان ویرایش و تولید فنی در دانشگاه آزاد، که مسئولیت آن با دوست دیرینش دکتر حسن مرندی بود، کمک کرد. گویا دکتر عبدالرحیم احمدی با ریاست دکتر حسن مرندی بر سازمان ویرایش و تولید فنی موافق بود. دریابندری مدتی با تلویزیون همکاری کرد و متن برخی از فیلم‌ها را به فارسی برمی‌گرداند. او در گفت‌وگوهایی به ماجرای همکاری‌اش با تلویزیون اشاره کرده است. چند تن از اعضای بخش ویرایش زمانی که خبر شدند شادروان کریم امامی قصد دارد به تلویزیون برود و مدیریت انتشارات سروش را بپذیرد، به ویژه استاد محمدرضا حکیمی، کوشیدند او را از این کار بازدارند. از او خواستند با توجه به تجربه متراکم همکارانش به امکان فعالیت انتشاراتی آزاد و غیروابسته توجه کند و نگذارد جمعی که طی سال‌ها با هم کار کرده‌اند و به ذهنیت‌های حرفه‌ای مشترکی دست یافته‌اند، از هم بپاشد. به هر ترتیب این گفت‌وگوها به نتیجه نرسید، شادروان کریم امامی به انتشارات سروش رفت و امیرجلال‌الدین اعلم و محمد تقی زاده، از اعضای ویرایش، و اصغر مهرپرور، مدیر امور فنی، را با خود به انتشارات سروش برد. شمار دیگری از اعضای فرانکلین هم خواسته یا ناخواسته به دانشگاه آزاد منتقل شدند. از فرانکلین شاخه تهران فقط جمعی از کارکنان اداری، مالی و خدمات باقی ماندند.

همزمان با تعطیل شدن فرانکلین شاخه تهران، موسسه انتشاراتی جدیدی به نام نومرز تشکیل شد که می‌خواست برنامه‌های فرانکلین تهران را با تغییرات و اصلاحاتی ادامه دهد.

شادروان دکتر حمید عنایت و یک آمریکایی به نام جان نیوتن، که فارسی را خوب می‌دانست و روان صحبت می‌کرد- شاید همسرش ایرانی بود- برای تأسیس نومرز فعالیت می‌کردند. با شماری از اعضای پیشین فرانکلین تماس گرفتند و آن‌ها را به همکاری دعوت کردند. شادروان حمید عنایت و نماینده‌ای از سوی او، نگارنده را هم به همکاری دعوت کردند، اما چون به موسسه تحقیقات پیوسته بودم، همکاری با شادروان حمید عنایت امکان‌پذیر نشد. آنچه از تشکیلات فرانکلین تهران باقی ماند، پس از انقلاب به تشکیلات تازه‌ای به نام انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، زیر نظر علی موسوی گرمارودی، منتقل شد. تغییرات و تحولات این تشکیلات پس از انقلاب مکتوب و مضبوط است و در حوزه تاریخ نشر ایران پس از انقلاب قابل بررسی است.

بر سر دارایی‌های فرانکلین تهران چه آمد؟

نگارنده نتوانسته است اطلاع مستند و دقیقی در این باره بیابد. اقوال و روایت‌ها متفاوت است. آنچه مسلم است این که دارایی قابل توجهی بوده که بخشی از آن در ایامی که علی‌اصغر مهاجر در ایران بوده، فروخته شده است. برای مثال، اسناد و مدارک فروش شرکت سهامی کتاب‌های جیبی و *دایره المعارف فارسی* به موسسه انتشارات امیرکبیر موجود است. آنچه جابه‌جا، منتقل یا از ایران بیرون برده شده است، بدون همکاری شماری از مسئولان امور مالی و حقوقی، که با علی‌اصغر مهاجر از نزدیک کار می‌کرده‌اند، امکان‌پذیر نبوده است. آن‌ها می‌توانند بگویند مهاجر چه میزان از دارایی‌های فرانکلین تهران را با خود به خارج برده است. او پس از تعطیل شدن فرانکلین تهران به آمریکا رفت، مستغلاتی خرید، دست به فعالیت‌هایی زد، کتاب منتشر کرد و خیالات دیگری هم در سر داشت که اجل مهلتش نداد. تا جایی که نگارنده خبر دارد، هیچ‌یک از اعضای فرهنگی فرانکلین تهران که به فعالیت فرهنگی معتقد بودند و وفادار ماندند، پس از تعطیل شدن فرانکلین نه با او تماسی داشتند، نه به نیکی از او یاد کردند، نه نقش او را در تسریع بخشیدن به پایان روند انحلال فرانکلین و پراکنده کردن جمعی از یاد برده‌اند که می‌توانست هرگونه فعالیت انتشاراتی را در کشور به بهترین صورت در زمان خود اداره کند.
